



شرح دعای مکارم الاخلاق

نویسنده: فاطمه پورشفیعی

استفاده از مطلب با ذکر نام نویسنده جایز است.

چکیده:

انسان به تکامل نمیرسد مگر با شناخت خود و شناخت هویت خود که انگاه خدای خود را شناخته است. و زمانیکه خدا را شناخت پس خود را شناخته است. وقتی خود و خداوند را شناخت، در پی آن ایمان را شناخته است و زمانیکه ایمان در او شکل بگیرد و به تکامل رسد پس در پی آن یقین شکل گرفته و با یقین خالصانه خود را آماده جهاد می کند بزرگترین جهاد جهاد با نفس تا مکارم اخلاق را ضمیمه سرشت باطنی و ظاهری خود کند.

کلید واژه: اخلاق نیکو، شناخت رذایل اخلاقی. ایمان و یقین خالصانه. شناخت ظن و گمان

مقدمه:

باسلام و درود به پیشگاه مطهر اهل بیت (ع):

در ماه شعبان ماه ولایت و ماه انتظار ماه نزول ملائکه خواستم از شجره نبوت برگی بر چینم برگی پر از نگین علم و معرفت که همان آموزش درسهایی از دعای مکارم اخلاق در صحیفه سجادیه است. صحیفه سجادیه، زیور اهل بیت (ع) از امام سجاد (ع) که مملو از خود سازی و افعال پسندیده و کسب معرفت است که یکی از این درسها دعای پر فضیلت مکارم اخلاق است.

دعا در عبارتهای خود با درود به محمد و آل محمد (ع) شروع شده است زیرا معرفت و کمال بدون امامت و ولایت نسبت به خاندان نبوت معنا ندارد.

اهل بیت (ع) کشتی روان اند که گردابها و امواج پر تلاطم و بی پایان روزگار آنان را از مقصد خود باز نداشته است. این کشتی روان را نباید ترک گفت چون باترک آن غرق شدن در گردابهای ضلالت حتمی است و مدعیان دروغین که اسرائیلیات را وارد دین می کنند جزء گمراهی و نابودی حتمی در دنیا و آخرت نصیبی ندارند ولی کسانی که زیر پرچم توحید و امامت قرار می گیرند نجات یافتگانی هستند که دنبال واقعیتها و حق گوئیهای ثقلین هستند نه آنچه که از بیراهه به آنها تزریق می گردد.

تقدیم به پیشگاه امام منتظر

مهدی موعود (ع)

۸۷/۵/ ۲۲

اللهم صل على محمد واله بلغ بايماني اكمل الايمان

پروردگارا ایمان مرا به کاملترین مراتب آن برسان. من عرف نفسه فقد عرف ربه. انسان به تکامل نمیرسد مگر با شناخت خود و شناخت هویت خود که انگاه خدای خود را شناخته است. ریشه ایمان از امن یعنی آسودگی و راحتی بدون دغدغه از نگرانیها و تشویش هاست. دغدغه ها نقشی در روح و روان انسان ندارد زیرا دل انسان محکم به ایمان است و روحش تجلی نوری است که ظلمت را نمی پذیرد. و هنگامی که سپری محکم بنام ایمان در روح و وجود انسان رخنه کند هیچ یک از جنبه های منفی حاصل از دغدغه های فکری در برابر آن تاب مقاومت ندارد. ایمان آتشی افروخته است که خاموشی ندارد. ایمان درختی است که ریشه اش یقین است. پس ای انسان بخودت بنگر که کیستی؟ هدفت از زندگی چیست؟ انگاه که خودت را یافتی بیهودگی و هرزگی به چه کار آید!

واجعل یقینی افضل الیقین

پروردگارا مرا به یقین برسان که یقین برتر است. انسان زمانی که به یقین کامل برسد زهد را دریافته و صبر را شیوه خود سازد پس در مسیر ربوبی طی طریق خواهد کرد و عبودیت را معنا می بخشد. چه لذتی از این بالاتر که انسان به عالم ربوبی یقین پیدا کند و کردار و عمل را تابع یقین کند. یقین که راهنما شود آرزوها کوتاه و عمل خالصانه و در نتیجه زهد شکل بگیرد و بی رغبتی به دنیا و لذائذ آن حاصل گردد

وانته بنیتی الی احسن النیات

نیت رکن عمل است تا نیت نباشد عمل کامل نگردد. خداوندا از تو درخواست می کنم نیت مرا که ناشی از سلامتی درون است نیکو گردانی. ومرا از نیت فاسد و پلید دور گردانی که نیت ناپاک بلائی عظیم و مصیبت بار است که شقاوت و بدبختی را بدنبال خواهد داشت.

و بعملی الی احسن الاعمال

پروردگارا عمل مرا بهترین عمل گردان . ایمان ناشی از یقین کامل انسان را به نیت خالصانه می‌رساند و نیت خالصانه شکل دهنده عمل خالص است . و نیکو ترین عمل اخلاص است که بنده باید زینت گر آن باشد تا مقام عبد و عبودیت درک گردد . و باید از نیت خود مراقبت کرد و آنرا با عمل شایسته زینت داد تا گرفتار سمپاشی های فرقه مرجئه نشویم که ملاکش نیت تنهاست و جامعه را به سوی فساد و نابودی می کشاند .

اللهم وفر بلطفک نییتی

پروردگارا از تو درخواست میکنم که نیت مرا به لطف و کرمیت فزونی دهی .

آن نیتی که تو می پذیری و به لطف تو نزدیک است شاید از لطف و عنایت تو من توفیق یابم بر کار خود نظری کنم و از کار نا شایسته حذر کنم . میدانم که لطف تو بندگان گنهکار را شامل نمی شود .

و صحح بما عندک یقینی

پروردگارا در وجودم یقین شکل گرفته ولی نمی دانم چرا شبهات گاهی مرا درخود فرو می برد و مرا دچار تردید و شک می کند و از تو دور می شوم با اینکه می دانم شک از دین برون شدن است . این حالت بیماری است . من به یقین نرسیده ام . باید خود را از بیابان برهوت بیرون کشم . ولی بدون کمک تو ای خدای بزرگ توانائی ندارم . از تو درخواست میکنم با همان شیوه خود مرا یاری دهی و به یقین کامل و بدور از شبهات برسانی و مرا در کسب علم و دانش موفق داری تا شبهات را از خود دفع نمایم .

و استصلح بقدرتک ما فسد منی

پروردگارا ندانسته و جاهلانه خطا کردم . خود را تباه کردم . خدایا علم نداشتم جهل مرکب مرا در خود فرو برده بود . آگاهی و دانش مرتبت بالائی دارد اگر توفیق درک آن مرتبت را یافته بودم خدا را میشناختم و از خدا به خودشناسی میرسیدم و از خدا تقاضا می کردم که لکه های سیاه وجودم به سفیدی تبدیل کند و مرا در تزکیه نفس یاری دهد و مرا با قدرت خود اصلاح نماید .

اللهم صل علی محمد وآله : واکفنی ما یشغلنی الاهتمام به واستعملنی بما تسئلنی غداً عنه

درود خداوند بر محمد (ص) و آل محمد (ص) و لعنت بر دشمنان ایشان

خداوندا دنیا مرا مشغول ساخته است از تو درخواست میکنم سعی و کوشش مرا باقیات و صالحات اخترم قرار دهی و مرا به تعلقات دنیا وابسته نکنی که درمانده میشوم. عمل درست باید مرا در برابر سئوالات

قیامت موفق بدارد.

ای انسان اگر طالب عزت هستی باید انرا در آخرت جستجو کنی و بدان که عزت آخرت نصیب هر کس نمیشود. و آنچه در دنیا عزت نامیده شده ذلت است زیرا اسیر تمایلات نفسانی بودن است. پس باید با خود شناسی و خدا شناسی بسوی قلب مطمئن که رضایتمندی پروردگار است حرکت کرد.

و استفرغ آیامی فیما خلقتنی له

خداوندا از تو درخواست میکنم آسایش و فراغت مرا در آنچه که بخاطر آن مرا خلق کردی قرار دهی. هدف از خلقت چیست؟ آیا خداوند انسان را بیهوده خلق کرده است؟ آیا شناخت موازین عقل و جهل هدف از خلقت را روشن نمی کند؟ خوشا به حال آنان که در برابر پروردگار فروتن هستند و با اهل علم و حکمت مماشات دارند و معیار های سعادت اخروی را شناخته و خود را از هوسهای نفسانی و محرمات دور نگه داشته اند. راه دین راه آرامش و عشق و ثبات است. آنرا بیابید! آیا تا بحال اندیشیده ایم که فراغت و استفاده از اوقات آن چه ارزش و بهائی دارد. بهائی که هدف از خلقت انسان را به تصویر میکشد.

واغنی و اوسع علیّ فی رزقک

خداوندا از تو درخواست می کنم مرا بی نیاز کن و رزق و روزی خودت را بر من وسعت ده (چه مادی و چه معنوی). روزی دست توست و تو آنرا تضمین کرده ای و ما نان خورهای تو هستیم و تو وکیل نان

خورهای خود هستی. هر گاه خداوند به تو روزی داد تو هم به دیگران وسعت بخش و راضی باش به آنچه که خداوند برای تو مقدر کرده است که طمع و زیاده خواهی لطمه به جان و روح زدن است. پیغمبر (ص) به علی (ع) فرمودند: غم روزی فردا را مخور چرا که هر فردائی روزیش مقدر است. (غررالحکم)

ولا تفتنی بالنظر و أعزنی

خداوندا از تو درخواست می کنم که مرا دچار نگاه حسرت بین در مال و جاه و مقام و جلال دیگران مکن و عزتم ده و عزیزم دار.

عزت واقعی در شیوه و سنت پیامبر و اهل بیت(ع) است پس اقتدا کنید به آنان که این طریق عقل و عدل و داد است. اگر این سنتها رعایت نشود و نادیده گرفته شود فساد و تباهی و ظلم و قتل و چپاول و نا امنی و بی حیائی و بی غیرتی و با لا تر از همه موج فتنه به شکل های مختلف جامعه را فرا می گیرد. در کلامی دیگر ریشه تمام نا امنی و آفات در جامعه و خانواده حسادت است و حسادت جزء گناهان کبیره است. و اینکه دیدگان حسرت بین دنیا همان دیدگان حسرت بین آخرت است.

و لا تبتلینی بالكبر و عبدنی لک

پروردگارا مرا به کبر و غرور مبتلا مساز که پستی و حقارت و در نتیجه طغیان و سرکشی است. آنجا که انسان نا فرمانی خدا کند طغیان و سرکشی است. متکبر از الطاف و رحمت الهی دور است. بنده خالص همیشه خود را در محضر خدا می بیند و از گذران زندگی ساده و بی آرایش لذت می برد.

خداوندا من بنده تو هستم و تو را می پرستم و عبادت مخصوص توست که اگر انسان وارسته باشم مرا از تو فیهات خود دور نمی کنی پس از تو می خواهم خشوع و خضوع بندگی را شامل حال من کنی. و مرا در آن استوار داری.

ولا تفسد عبادتی بالعجب

عجب و خود بینی مرا از مرتبه کرامت و کمال دور ساخته است. خود بینی حماقت و نابودی است. خود بینی آفت عقل است. خود بینی اخلاص را از انسان دور می کند و ارزشهای بشری را نابود می سازد و در نتیجه انسان در تنهایی خود فرو می رود. و انسان تنها بی یار و یاور و افسرده می گردد. در حالی که در دین اسلام افسردگی معنا ندارد. دین اسلام دین حقیقت گرا است و با مطرح شدن همت مضاعف و کار مضاعف دیگر جایی برای افسردگی نیست. خداوندا عبادتهای مرا با صفت خود بینی تباه مساز ..

(متا سفانه جامعه امروزی تمثیلی است از عجب و خود بینی و تکبر که بر اساس آن انسانیت، عزت و حرکت به سوی کمال، گم گشته است.)

و اجر للناس علی یدی الخیر

برترین ذخیره ها نیکی کردن است و محبوب ترین بندگان نزد خدا
سودمند ترین آنان به بندگان بوده است زیرا به راه صواب رفتن
سلامتی است. و آن کس که مردم را یاری می رساند و نزدیک ترین به
آنان است فردای قیامت نزدیکترین فرد به پیشگاه الهی است و منشأ
کار نیک توفیق الهی در برابر سعی و کوشش فرد است.

پروردگارا به کار نیک و خیر و عام المنفعه توفیقم ده و کار خیر
را بدست من و برای مردم جاری ساز تا راهی باشد بسوی کرامت و بند
گی .

°

ولا تمحقه بالمنّ

خداوندا. آنگاه که کار خیر را برای کسی به انجام رساندم آنرا با
منّت گذاری تباه نکنم . منّت گذاری تباه کننده ی احسان و نیکی است
. در واقع منّت گذاری تباه کننده ی توفیق الهی است. و توفیقی که
اساس رستگاری و پیروزی است. بار الهی مرا در زندگی از رذائل
اخلاقی دور بدار . که منّت گذاری ناشی از سبکی عقل است. من باید
بدانم اگر منّتی است از آن پروردگاری است که مرا خلق کرده است و
در تمام امور توفیق او شامل حال من شده است.

و هب لی معالی الاخلاق

خداوندا . می خواهم به کمال برسم و انسانیت را درک کنم . مرتبه
ی بلند اخلاقی مرا از فخر و مباهات دور میکند . مرتبه ی بلند اخلاقی
و رعایت خصلتهای پسندیده کمال انسانیت است. من از کلام تو در قران
و روایات اخلاق پسندیده را آموختم : وفای به عهد. انجام کار نیک و
دوری از باطل. دوری از تکبر و خود بزرگ بینی . پرهیزگاری . توبه .
راستگویی. پاکدامنی . قلب سلیم . وقوف در برابر شبهات ترک محرمات و
آمر به معروف و ناهی از منکر باکلام نیکو و آنجا که اطاعت خدا
باشد کوششها جهاد در راه خدا است.

اللهم صل علی محمد (ص) وآله علیهم السلام . و لا ترفعنی فی الناس
درجة الا حططتی عند نفسی مثلها با درود خداوند بر محمد و خاندان
پاک او (ص)

خداوندا اگر در پیشگاه تو شایسته اجر و پاداش هستم این پاداش را
نزد خود نگهدار و مردم را از آن مطلع مساز و مرا نزد خودم خوار
گردان زیرا اگر انسان خود را خوار و ذلیل پندارد دیگر دچار عجب و
غرور و تکبر نمیشود و انسان بی ریا و ارسته میگردد و خداوند او را
در دنیا عزت میدهد و عزت در دنیا عزت در آخرت نیز است.

و لا تحدث لی عزاً ظاهراً الا أحدثت لی ذلة باطنه عند نفسی بقدرها

پروردگارا مرا بسوی کمال یاری فرما . آنچه که از تو درخواست می کنم اگر عزت ظاهری عطا می کنی ذلت باطنی را نیز عطا فرما تا خود را گم نکنم . قرآن ظاهری دارد و باطنی . اگر ظاهر قرآن را بگیری تفسیر به رای می شود و باطل است پس برای فهمیدن اصل آیات باید به باطن قرآن رجوع کرد . تاویلات باطن قرآن است این دو باید در کنار یکدیگر و با یکدیگر باشند (کتاب و سنت) تا فهم قرآن آسان گردد و انسان صاحب کرامت و کمالات باید ضمن نهیب زدن به نفس خویش در برابر باطل بدنبال کسب عزت ظاهری باشد که این مهم جزء با کسب علم و کار بر روی احادیث میسر نمی گردد . پیامبر (ص) : به آنچه نزد خدای شکوهمند است رغبت داشته باش تا خداوند تو را دوست بدارد و به آنچه نزد مردم است چشم مدار و از آن دست برکش تا مردم تو را دوست بدارند . (الخصال (۱۹۷) ۸۴)

اللهم صل علی محمد و آل محمد (ص) و متعنی بهدی صالح لا استبدل به

با درود خداوند بر محمد (ص) و آل او : پروردگارا از تومی خواهم که مرا به راه صالحین هدایت فرمائی و به گونه ای بهره مند سازی که آنرا با چیز دیگری عوض نکنم .

انسان با اراده یقین و ایمان را در خود تقویت میکند . با نفس اماره مبارزه میکند . هرگز بیراهه نمی رود و در برابر گرایشهای منفی و باطل می ایستد .

و طریقه حق لا ازیغ عنها

گرایشهای منفی (فرقه ها و مدعیان دروغین و بهائیت و وهابیت) طریق باطل است و رهبرش شیطان و سر انجامش کفر است کتمان حق دلها را منحرف و عقاید را دچار ریب و شک می کند . پروردگارا . از تو درخواست می کنم مرا به راه صالحین که راه رسیدن به کمال و عبودیت است هدایت فرما . نه راه آنان که دچار انحراف شده و از حق دور مانده اند که در واقع به جنگ خدا رفته اند .

و نیة رشد لا اشک فیها

خداوند مرا بهره مند ساز از نیّتی با ثبات که شکی در آن نباشد . الاعمال بالنیات . ریشه عمل نیّت است . نیّت باید از سوء ظن پاک باشد . فساد اخلاقی و تباهی از سوء نیّت است . امیرالمومنین (ع) می فرماید : نفس خود را به نیکی نیّت و خوبی هدف عادت ده تا در خواسته های خود به پیروزی برسی . (غررالحکم)

و عمّرنی ما کان عمری بذلة فی طاعتک

خداوندا از تو عمری می خواهم که صرف طاعت تو شود . طاعتی خاضعانه و خاشعانه . طاعتی بدون غرور و ریا طاعتی که ذلت در برابر تو را در وجودم افزایش دهد. طاعتی میخوام که مرا دچار عجب نکند . طاعتی می خواهم که بمن کرامت بخشد. . کرامتی که تو از بنده ات انتظار داری.

و طریقه حق لا ازیغ عنها

گرایشهای منفی طریق باطل است و راهنمایش شیطان و سرانجامش کفر است. کتمان حق دلها را منحرف و عقاید انسان را دچار شبهه و شک و تردید میکند. پروردگارا از تو درخواست میکنم مرا به راه صالحین که راه رسیدن به کمال و عبودیت است هدایت فرمایی نه راه آنان که دچار انحراف شده و از حق دور مانده اند که در واقع به جنگ خدا رفته اند.

ونیة رُشد لا اشک یها

خداوندا مرا بهره مند ساز از نیّتی استوار و ثابت که شکی در آن نباشد. " الاعمال بالنیّات" نیّت بسیار مهم است ریشه ی عمل نیّت است. نیّت باید از سوء ظن پاک باشد. فساد اخلاقی و غرق شدن در رذائل اخلاقی ناشی از سوء نیّت است. امیرالمؤمنین علی (ع) میفرماید : نفس خود را به نیکی نیّت و خوبی هدف عادت ده تا در خواسته های خود به پیروزی برسی. (غررالحکم)

و عمّرنی ما کان عمری بذلة فی طاعتک

خداوندا از تو عمری می خواهم که صرف طاعت تو شود . طاعتی خاضعانه و خاشعانه طاعتی بدون غرور و ریا طاعتی که ذلت در برابر بزرگی تو را در وجودم افزایش دهد. طاعتی می خواهم که مرا دچار عجب نکند. طاعتی میخوام که بمن کرامت دهد آن کرامتی که تو انتظار داری.

فاذا کان عمری مرتعاً للشیطان فاقبضنی الیک قبل ان یشق مقتک الی
او یستحکم غضبک علیّ

خدایا آنگاه که عمر من در مسیر شیطان ویا در چراگاه شیطان ومحل بذر افشانی شیطان تلف شود ترجیح می دهم قبض روح کردم قبل از

اینکه غضب تو بر عمل من سبقت گیرد و یا غضب تو بر من حتمی گردد. الهی لا تکلنی الی نفسی طرفة عین ابداء، خداوند ا یک لحظه مرا بخودم وا مگذار.

اللهم لا تدع خصلة تعاب منی الا اصلحتها

خدوندا خصلت ناپسند را از من دور کن . بمن خصلتی عطا کن که قدرت مبارزه با خصلتهای ناپسند را داشته باشد. اخلاق نیکو نشانهء ایمان و بزرگواری و اصل ونسب انسانی است و خوی ناپسند از میوه های جهل و نادانی است و موجب شکنجه نفس انسانی است.

و لا عائبة اؤنب بها الا حسناتها

عیب جویی و عیب یابی ازد یگران کار افراد نیکو صفت نیست . انسانها در رفتار و کردار خود خطا کار هستند و اگر به خرده گیری از خود مشغول شوند دیگر علاقه ای به پی گیری عیوب دیگران نخواهند داشت آنان که نسبت به لغزش های خود کور و نابینا هستند لغزش دیگران را بزرگ می شمارند. هر کس از عیب و نقص اخلاقی خود آگاه شود و راه توبه و تزکیه را در پیش بگیرد وارد مرحله ی جهاد اکبر شده است که بزرگترین جهاد است. پروردگارا مرا بر عیوب مسلط گردان تا بتوانم صاحب صفات ممدوح شوم و از صفات مذموم دور بمانم.

و لا اکرومة فی ناقصة الا اتممتها

نقص در الگوی رفتاری هیچگونه کرامت و بزرگواری را برای انسان پدید نمی آورد. اخلاق پسندیده در گرو انجام وظایف و شناخت حلال و حرام الهی است. اگر طالب کرامت هستی متکبر نباش. مغرور نباش که عزت نفس را از دست میدهی. کرامت انسان را به کمال میرساند . و آنگاه که مسیرانتخابی بسوی کرامت نادرست باشد یعنی عمل انسان ناقص باشد نتیجه ای حاصل نمی گردد و انسان در نفس عمل لئیم است.

اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و ابدلنی من بغضة اهل الشّان المحبّة

دشمنی و بغض بر دیگران جزء ضرر واز دست دادن دوستان و آشنایان حاصلی ندارد و انسان را بجائی نمی رساند. خداوند ا در خواست میکنم کینه توزی را که بیماری دل است و جزء خصلتهای بد واز گناهان کبیره

است از من دور نمائی و مرا اهل محبت و دوستی سازی تا طریقی بسوی کرامت و کمال باشد.

و من حسد اهل البغی المودة

حسادت از خصلتهای بد و ریشه دار و از گناهان کبیره است . حسادت بیماری است که مانند خوره آسایش را از فرد می گیرد و ایمان را می خورد همانگونه که آتش هیزم را . حسادت شیوه ی بزرگان و اهل تقوی نیست . حسادت شیوه ی اهل ستم است آنان که ستم را بر خود و دیگران روا میدارند . حسادت دردی خانمان سوز است . پروردگارا از تو درخواست می کنم این حالت و این شیوه اهل ستم را از من دور سازی و بجای آن محبت و دوستی که گنجی است از گنجهای بهشت و راهی بسوی جوانمردی است قرین من سازی .

و من ظنة اهل الصلاح الثقة

راه تکامل برای انسان جزء بایقین میسر نمیگردد . یقین داشتن شیوه ی خردمندان است . آنگاه که انسان گمان را شیوه ی خود سازد مردد میگردد و نمی تواند در شک و تردید اصلاح در امور را چاره خود سازد . زیرا گمان دو ریشه دارد خوش گمانی و بد گمانی و بد گمان از هر کس و هر چیز وحشت دارد . کسی که گمانش نیکو باشد نیت و اندیشه اش نیکو است . . انسان صالح و شایسته بد گمان نمی گردد . پروردگارا ظن و گمان افراد شایسته را به یقین مبدل ساز زیرا یقین اعتماد به نفس می آورد و وجود انسان را پر تلاش و از آفات دور می سازد . و یقین زودتر انسان را به کرامت انسانی و کمال می رساند .

و من عداوة الادنین الولاية

عداوت و دشمنی بلا و آفت و یک بیماری است . عداوت و دشمنی با خویشاوندان عدم سازش است که در نتیجه افسردگی را به همراه دارد . پروردگارا از تو درخواست میکنم که دشمنی اقوام را به دوستی طرفین مبدل سازی به گونه ای که عشق و دوستی بر آنان حکمفرما باشد و این ولایت و دوستی راهی باشد

به سوی کرامت و کمال انسانی که تو در قرآن و روایات از آن به "صله" تعبیر کرده ای.

و من عقوق ذوی الا رحام المبرة

بدترین فرزند. فرزند نا فرمان است. نیکی به پدر و مادر بزرگترین فریضه است و فرمانبرداری از پدر و مادر در شناخت واجبات الهی و ترک محرمات بر فرزند واجب است. پدر و مادر بر فرزند و فرزند بر پدر و مادر حق بر یکدیگر دارند. و این حق نباید نادیده گرفته شود. پروردگارا فرزندان را عاق والدین قرار مده. اهل یک خانواده را صالح و خوش رفتار و فرمانبردار یکدیگر ساز تا از هم نیکی و مهربانی آموزش بینند و از شر و بدی دور بمانند. و راه کرامت و کمال را بیمایند.

ومن خذلان الاقربین النصره

خذلان یعنی بی بهره ماندن از یاری خداوند. آنگاه که انسان توفیق الهی را از دست بدهد. مسیر جهل و نادانی را طی کرده و حقوق برادران ایمانی را سبک می‌شمارد و بدنبال کارهای زشت حرکت می‌کند و مردان خیانتکار را امین خود قرار می‌دهد. و خویشاوندان را از لطف خود دور می‌سازد عنایت الهی را از دست می‌دهد. پروردگارا از تو درخواست می‌کنم که ما را از لطف خود و کرامت خود بی بهره نسازی و ما را در شناخت وظایف و انجام آن نصرت دهی که نصرت در جهت رضای تو حرکتی است به سوی کمال.

و من حبّ المدارین تصیحح المقته

گاهی منافقین و دو رویان و مکاران دوستی ظاهری با افراد غیر از تیره خود ایجاد می‌کنند. پروردگارا دوستی واقعی و حقیقی خود را جایگزین دوستی های فریبنده دنیا نما تا بخود دروغ نگوئیم و به حقیقت زندگی در دنیا برسیم و دیگران را مسخره نکنیم زیرا حقیقت به سوی کمال حرکتی است بدون حيله و نیرنگ نه آنکه اشخاص را دور بزنیم.

و من ردّ الملا بسین کرم العشرة

پروردگارا توهین معاشرانم را به خوش دلی و جوانمردی مبدل ساز

مردانگی و جوانمردی همان باب مزوت است و آن خویشتن داری و تحمّل در برابر بر خوردهای بی ادبانه و یا تحمّل کردن مشگلات و دوری کردن از زشتی ها و خویشتن داری در برابر ذلتهاست. هدف ، مواسات کردن در آمیزش و معاشرت و اجرای عدالت در روابط اجتماعی است. و اینگونه است حرکت به سوی مکارم الاخلاق تا کرامت و کمال انسانی بدست آید.

و من مرارة خوف الظالمين حلاوة الامنة

ستمکار سرکش است و چشم براه یکی از دو عذاب الهی در دنیا و در آخرت است . ظلم و ستم نعمتها را سلب می کند و عمر را کوتاه می گرداند . پروردگارا تلخی حاصل از ترس ظالمان و ستمکاران را به شیرینی امنیّت مبدل ساز و شر ظالمان را به خودشان برگردان . فتنها ظلمت است و راه به جایی ندارند و فتنه گران بدانند هیچوقت آرامش را لمس نخواهند کرد . آنان راه را گم کرده اند و بینش و بصیرت را در رسیدن به اهداف شیطانی خود می بینند. حال که چنین نیست وبد راهی را طی کرده و خواهند کرد.

اللهم صل علی محمد و آل محمد

واجعل لی یداً علی من ظلمنی

درود خداوند بر محمد و خاندان او ، پرورد گارا به من قدرت عطا فرما تا با ستمگران مبارزه کنم و در برابر ظلم آنان ایستادگی نمایم . وای بر کسی که از قدرت و توانایی خود سوء استفاده کند و حقی را از مظلوم بستاند. دشمنی با اهل ایمان دشمنی با خداوند است پس خداوند خصم او خواهد شد و مکر او را بخودش بر میگردداند و ستمش او را نابود خواهد کرد.

و لساناً علی من خاصمنی

پروردگارا زبان گویا بمن بده تا دشمن درونی و بیرونی را نابود سازم . نه آن زبانی که فحش و ناسزا گوید. حضرت علی(ع) در غررالحکم می فرمایند :کسی که حالت مخاصمه و دشمنی با مردم دارد نمی تواند تقوای الهی را داشته باشد.

و ظفرا بمن عاندنی

پروردگارا هر کس که به من عناد می ورزد مرا در برابرش پیروز گردان . آنجا که پیروزی محقق گردد دیگر جای انتقام نیست و طرف مقابل با پیروزی تو عفو بر او هموار میگردد . ولی از پیروزی خود سرمست نشو ، زیرا روزگاری خواهد آمد که از آن پیروزی در امان نخواهی بود . (علی ابن ابیطالب (ع) در غرالحکم) .

و هب لی مکرأ علی من کایدنی

پروردگارا مرا در چاره سازی یاور باش . من توانایی مکر و حيله نا اهلان را ندارم . نیرنگ شیوه افراد سرکش و فرومایه است . مکر بد جزء دامن اهل خود را نگیرد . به انسان مکار اعتمادی نیست ، زیرا او خود شیطان است و کسی که مکر و حيله داشته باشد حيله اش به خود او باز می گردد .

و قدره علی من اضطهدنی

پروردگارا قدرتی به من عطا فرما تا در برابر کسی که ستمگری را بر من روا داشته است و زندگی را بر من سخت و هموار ساخته است مقابله نمایم مقابله ای که از حدود الهی خارج نشود . مقابله به مثل جایز نیست . تنها راه چاره در برابر ستمگر مدارا با وضع موجود وسکوت و آزرده خاطر نشدن است . اگر حق و حقوقی از بین رفته از طریق قانون باید اقدام کرد و جنجال بی فایده است . اگر ستمدیده با آرامش کار را دنبال کند نباید از الطاف الهی ناامید باشد چه بسا طرف ستمگر را خداوند متوجه اشتباه خود کند و کسی که با مخالفان اصلاح کند به آرمان خود میرسد . و دشمنی و ستمگری با اشخاص نشانه نادانی است . در مقابله به مثل قدرت خود را در نظر بگیر و به گونه ای باش که همانند طرف مقابل نباشی بلکه طرف مقابل را شرمند کنی .

و تکذیبا لمن قصبنی

خداوندا ، بد خواهان بسیارند ، سم پاشی ها بیشتر ، ضربات روحی بسیار ، به من قدرتی عطا فرما تا بد گویی آنان را تکذیب کنم . پروردگارا تو با لا ترین قدرت هستی بر من منت گذار و آنان را رسوا کن . دروغگویی پستی و خواری است و پایه ی فساد اجتماعی و

خانوادگی است و آن چه مهم است خوداری در برابر این گونه افراد است. انسان باید در چنین اوضاعی حلم ورزد و خشم خود را فرو نشاند تا شرمندگی نصیب دروغگو گردد. انتقام خوب نیست و سازندگی ندارد. صورت های مختلف امر به معروف و نهی از منکر را نباید فراموش کرد.

و سلامة ممن توعّد نی

افرادی هستند که با استفاده از روشهای گوناگون انسان را تهدید می کنند. انسان مکره نباید خود را تسلیم ضرورتها و ناچارها کند زیرا چیزی جزء خواری برای شخص باقی نمی ماند.. پروردگارا بمن سلامتی جسم و روح عطا فرما که در برابر زور گوئیها مقاوم باشم و تسلیم آفتهای اخلاقی و اجتماعی نشوم که این تباهی و نابودی را بدنبال خواهد داشت.

ووفقنی لطاعة من سدّنی

پروردگارا از تو میخوام مرا در محیط کاری سالم وارد کنی تا از آلودگی به دور باشم. پس قدرتی بمن عطا نما تا اطرافیان و همکاران خود را بخوبی بشناسم . محیط سالم پرورنده انسان کامل است. شناخت حق از باطل از وظایف انسانهاست . و در چنین محیطی انسان ها به یکدیگر اطمینان دارند. و از یکدیگر اطاعت خواهند کرد.

و متابعة من ارشدنی

پروردگارا قدرتی بمن عطا فرما تا از هدایت هدایتگران و مبلغین صالح دینی بر خوردار شوم. مبلغ باید دلسوز انسان و دلسوز دین اسلام باشد نه آنکه در غالب دوستی ضربه به دین و انسان بزند. و یا در قالب دوستی عقاید باطل را ترویج دهد و مردم را به انحراف کشاند. مبلغ باید صالح و درستکار باشد. مبلغین دین را باید شناخت و کسانی را باید انتخاب کرد که گرایشهای منفی و عقاید باطل را به انسانها تزریق نکنند و قرآن را از عترت جدا نکنند. و ظواهر قرآن را به دلخواه خود تفسیر نکنند که تفسیر به رأی است که این همان روش وهابیت است.

اللهم صلّ علی محمد وآله و سدنی لان أعارض من غشني بالنصح

غش ناخالصی در کار است و یا گول زدن افراد به نوعی یا طریقی است، که در معاملات و در رفتارهای ناشایست پیدا میشود. پروردگارا از تو قدرت بازدارنده ای می خواهم که با آن قدرت عارض شوم بر هر کس که به عنوان خیر خواهی مرا گول میزند. غش از اخلاق لئیمان و انسانهای پست است و کسی که غش دارد زبانش شیرین ودل و درونش تلخ است. کسانی که در معاملات خود جنس نامرغوب را به عنوان جنس مرغوب می فرزند و غش در معامله دارند دشمن خدا و پیامبر خدا (ص) هستند.

و اجزی من هجرنی بالبرّ

پروردگارا به من پاداش عطا فرما زیرا می خواهم با کسی که مرا ترک کرده به نیکی ارتباط برقرار کنم . مومن باید با مردم انس بگیرد و الفت ایجاد کند تا مردم از رفتار او آموزش ببینند. سر آغاز عقل مدارا کردن با مردم است با دوری کردن از فساد ها و نیرنگ های اخلاقی .

و ائيب من حَزْمَنِي بِالْبِذْلِ

دست و دل بازی و بذل و بخشش بسیار نیکوست و بخیل بودن بسیار نکوهیده و مذموم است چه در ثروت و دارایی و چه در رفتار و کردار . کسی که بذل و بخشش داشته باشد شکر نعمت الهی را انجام داده است و در بین مردم نیکوکار و محسن شناخته می شود. و در کردار و رفتار او را خوش خلق و دادرس مردم نامند. خداوند بذل و بخشش را بمن ارزانی دار تا پوشش دهد هر کس که مرا محروم از این صفت کرده است.

و اکافی من قطعنی بالصله

پیوند و برقراری بین اقوام و خویشان عزت و بزرگواری را برای انسان به ارمغان می آورد . پروردگارا مرا یاری نما تا بر هر کس که از من بریده است پیوند برقرار کنم زیرا قطع صلّه و قطع رحم پشت کردن به یکدیگر است و عذاب را فرود می آورد و روزی را کم می کند و عمر را کوتاه میکند.

و اخالف من اغتابنی الی حسن الذکر و ان اشکر الحسنه

غیبت گناه بزرگ و از گناهان کبیره است حتی از زنا بدتر است. شنونده غیبت مانند گوینده آن مجرم است و دوزخ منزلگاه غیبت کننده است. خداوند به من قدرتی عطا فرما که غیبت کننده را مخالفت کنم و او را پند دهم و این عمل نیک را سپاس دارم و همواره به اندرزهای نیکو مشغول گردم تا خداوند مرا یاد کند.

و اغضی عن السيئة

پروردگارا بمن قدرتی عطا فرما که از بد رفتاری و بد خلقی دور باشم . بد اخلاقی ظلم به خود و دیگران است و کسی که در میدان بدی خویش مرکب براند در همان میدان بر زمین خورد و به رو در افتد. حاکم ستمگر و همسایه بد و زن بد زبان زندگی را تیره و تار میسازد و بدی را رواج میدهد.

اللهم صلّ على محمد و آلِهِ و حلّني بحلّية الصّالحين

درود بر محمد و آل محمد. پروردگارا زینت مرا زینت صالحین قرار بده. آنان که در رفتار و کردار صالح هستند. آنان که در انجام واجبات و شناخت محرمات دقت نظر دارند. آنان که به وظایف اسلامی و شرعی خود آشنا هستند و دوست دارند آنچه را که خدا دوست دارد و راضی هستند به آنچه که خدا راضی است

والبسني زينة المتقين

پروردگارا مرا به صفات متقین زینت بده. زینت متقین گسترش عدل است و با پرپایی عدل در جامعه زشتیها و ظلم دور میشود.

و كظم الغيظ

پروردگارا مرا به صفات متقین (عدل و فرو بردن خشم) زینت بده. عصبانیت و خشم کینه را باربر میکند. انسان باید در وجود خود خشم را سرکوب کند تا کینه شکل نگیرد. حلم زیباست اگر انسان توانایی درک آنرا را داشته باشد و از خود خواهی دست بر دارد.

و اطفاء النائرة

زینت متقین یا صفت دیگر متقین مبارزه کردن با فتنه هاست. پروردگارا مرا یاری فرما تا آتش فتنه را خاموش کنم همان آتشی که خلافت ائمه (ع) را غصب کرد و خوارج را بر روی کار آورد. فتنه به صورتهای گوناگون جامعه را فرا میگیرد گاهی در شکل بی حجابی و بی عفتی و بی حیائی و گاهی در شکل آزادی عقیده و رواج سکولار یا لائیک یا فمینیسم و یا در شکل حلول خدا در وجود ائمه (ع) و یا در شکل عرفانهای کاذب و یا بصورت مدعیان مهدویت و یا بشکل (نیهیلیسم) که در فارسی هیچ انگاری یا نیست انگاری ترجمه شده است. نیهیلیسم انکار وجود و حضور غیب و غافل شدن از حقیقت قدسی و باطن غیبی عالم است

و ضمّ اهل الفرقه

عقاید باطل به صورت های گوناگون در جامعه بشریت ریشه دوانده است. مردم در عوض فکر و اندیشه صحیح و بررسی و پژوهش و استفاده از علم و دانش راه هوای و هوس را در پیش گرفته اند و اینچنین است که جذب نیروهای باطل و شیطانی میشوند و از حقیقت جهان آفرینش دور میمانند و تصور می کنند که جهان برای کسب لذت های مادی خلق شده است. پروردگارا به من قدرتی عطا فرما که این قوم پراکنده از عقاید باطل را تا جایی که قدرت علمی دارم و به من مربوط میشود هدایت نمایم. خداوندا مرا به زینت علم آراسته گردان تا با روش صحیح تبلیغی و شناساندن حق از باطل در مردم مهدی موعود (ع) را از خود خشنود سازم.

و اصلاح ذات البین

پروردگارا از صفات متقین آموختم که باید در رابطه بین مردم و حسن رفتاری آنان دقت نظر داشته باشم. پس به من قدرتی عطا فرما که آنچه بین دو نفر رخ داده و باعث جدائی آنان شده اصلاح نمایم و دوستی و مؤدّت را سرمایه زندگی آنان قرار دهم. از برترین خیر خواهی ها اشاره کردن به صلح و آشتی است. یعنی مشورت و رایزنی ها در مورد اختلافات، مشاوره کردن و راهنمایی آنان به سوی یک روش سازنده در زندگی بدون دغدغه ها و این مهم میسر نمیشود مگر با کنار گذاشتن خودخواهی ها و غرور و تکبر.

و افشاء العارفة

پروردگارا مرا یاری نما تا آنچه که معروف و شایسته است آشکار سازم. معروف آن چیزی است که عرف آنرا بخوبی و نیکویی شناخته است، و ما باید با انجام کار نیک و امر بمعروف و نهی از منکر گناهکار را از عمل بدش باز داریم. عمل به معروف و نهی از منکر زینت متقین است.

و ستر العائبة

یکی از صفات الهی سر پوشی است و عیب پوشی بهترین صفت انسانی است. و کسی که به عیبهای خودش آشنا باشد و بخوبی خود را بشناسد عیب برادرش را می پوشاند. زیرا از آشکار شدن عیب خود وحشت دارد و این صفت از صفات برگزیده متقین است.

و لین العریکه و خفض الجناح و حسن السیره و سکون الّریح

پروردگارا نرم خوئی و فروتنی را بمن عطا فرما. خوشرفتاریو نرمخویی را شیوه من ساز. تکبر صفت شیطانی است آنرا از من دور نما. تکبر اساس و پایه طغیان است. تکبر گاهی در موقعیت های اجتماعی است و گاهی در جنبه های متفاوت اقتصادی و مالی است. تکبر در مرام و خلق و خوی انسانی اثر پذیری بسیار ی دارد. صفت تکبر جنود جهل است و تواضع ضد آن و در جنود عقل است. تکبر دام بزرگ شیطان بر انسان ها است. تکبر است که دشمنان بزرگ اسلام و مسلمین جرأت عرض اندام را پیدا می کنند و کشتارها و غارتها و تجاوزات و ترورها شکل می گیرد. پروردگارا ما را به زینت تواضع آراسته گردان که از جمله ی متقین باشیم.

و طیب المخالفة و السبق الی الفضیلة و ایثار التفضّل و ترک التّعیر

پروردگارا خوش خلقی و حسن معاشرت و کسب فضیلت و برتری به سوی خودت را نصیب من گردان، تا بتوانم خودبینی و تکبر را از خود دور سازم، و از سرزنش کسی آزرده خاطر نشوم. خلق نیکو زندگی را شیرین و گوارا میکند پس فرد از تباهی و بی عدالتی و بی انصافی و فساد اخلاقی دور میماند و به سوی ارزش های اخلاقی سبقت می گیرد. و از ملامت کردن دیگران و سرزنش آنان دوری می کند و می آموزد که در اختلافات جایی برای آشتی و دوستی باقی گذارد.

و الافضال علی غیر المستحق

پروردگارا از آنچه که به عنوان فضل (نیکویی و خیر خواهی) بمن داده ای می خواهم ایثار کنم، به گونه ای که مورد سرزنش کسی واقع نشوم و یا اینکه من کسی را مورد عتاب قرار ندهم و فضل تو در وجودم آثاری داشته باشد و تمام مردم از آن بهره گیرند.

والقول بالحق و ان عزّ

پروردگارا میدانم که عمل صالح چیزی جزء گفتار و عمل صالح نیست هر چند که برایم مشکل باشد. آنگاه که نیت انسان سالم باش و زبان دروغ نگوید و عمل صالح باشد پس قول حق را آموخته است.

و استقلال الخیر و ان کثر من قولی و فعلی

پروردگارا عنایتی فرما که کار نیک خود را کوچک شمارم اگر چه خوبی و انجام کار نیک در گفتار و کردارم بسیار باشد.

ایکاش می دانستم با زبان چه کار کنم تا دچار چهل گناه زبان نشوم . ایکاش آموخته بودم که زبان را به موقع به حرکت در آورم تا دیگری را نرنجانم . ایکاش زبان را به زینت چهل حدیث آراسته می کردم . ایکاش..... کم گویم و وبیشتر بیندیشم .

و استکثار الشّرو ان قلّ من قولی و فعلی

پروردگارا در گفتار و کردارم بدی و شری اندک است. از تو میخواهم کارهای نیک مرا در نظرم جلوه ندهی . ولی کارهای زشتم را در نظرم جلوه دهی، باشد که با خضوع و خشوع به سوی تو آیم. و طلب توبه کنم.

واکمل ذلک لی بدوام الطاعة

خضوع و خشوع در بندگی وقتی کامل می شود که در طاعت پروردگار خود پایدار باشی و آنرا به هوی و هوس نفروشی بهترین روش بندگی انجام به موقع واجبات و استقبال از آن و فراموش نکردن دستور های الهی و کسب معنویت بیشتر و به دست آوردن توفیقات الهی با انجام مستحبات تا مرحله کمال برای انسان شکل بگیرد. کسی که میخواهد به مقام عبودیت حق برسد در مسیر قرب الهی نباید کوتاهی کند و همواره بر اطاعت حریص باش و در برابر محرمات الهی پاکدامن و عقیف باشد.

و لزوم الجماعة

پروردگارا از تو میخواهم که مرا ملزم کنی و زینت دهی به تقوی که از جماعت مسلمین دور نمانم . (نماز جماعت)

جماعت پر شکوه است . در جماعت دل شکسته پیدا می شود که دعایش مستجاب گردد و خداوند به برکت جماعت و آن دل شکسته دعای امین گویان را انشاءالله مستجاب خواهد کرد.

و رفض اهل البدع

پروردگارا از تو درخواست میکنم مرا از جماعت مسلمین از اهل بدعت دور نما. اهل بدعت اسلام را دچار تفرقه و شبهه میکند و آنان میدان را برای فعالیتهای دشمن باز می کنند. بدعت نو آوری در دین است و ترک آن واجب است. (دشمنان اسلام از تفرقه بین مسلمین به اهداف شوم خود می رسند. مؤمنین باید از دین خود مراقبت کنند و وحدت مسلمانان را حفظ کنند. بدعت را کسانی بنا نهادند که نص را مخالفت کرده و اجتهاد باطل خود را که مخالف شریعت اسلام بود ترویج دادند و امروز شاهد آن هستیم که براساس همان اجتهادات باطل که در زمان بعد از فوت حضرت رسول (ص) رایج کردند نیرو تربیت می کنند و نسل کشی و مسلمان کشی را زیر پرچم اسلام شیوه خود می سازند و مانند عصر جاهلیت هزاران نفر از زن و مرد و پیر و جوان و خردسال را از دم تیغ می گذرانند)

و مستعمل الّرای المخترع

اهل بدعت چه کسانی هستند ؟ آنان که هرآنچه رسول خدا (ص) از طریق جبرائیل به فرمان خدا در یافت کرده بود (در بعضی از احکام شرعی و احادیث و سنت) را تکذیب کردند و حقایق کتاب خدا را تفسیر به رای کرده و کتاب خدا را بدون سنت کافی دانسته و جعل حدیث را رواج می دادند، و سنت رسول (ص) را نادیده گرفتند و حکم به اعدام رواج دهندگان حدیث صحیح می دادند. و مردم را از درک حقایق دین باز داشتند و به اسلام خیانت کردند و گفتند و انجام دادند هر آنچه که نباید میگفتند و می کردند. آنکه در دین خدا بدعت میگذارد آبرو ندارد و خداوند اعمالش را نمی پذیرد. و آنان که دنبال رو بدعت گذاران هستند به ویرانی اسلام کمک کرده اند و بدانند خداوند راه توبه را بر اهل بدعت بسته است . اهل بدعت اهل شریعت نیستند. چون آنچه باید از پیغمبر و کتاب خدا بفهمند نفهمیده اند. زیرا از خود و از امثال خود (نوکران استعمار و استثمار) اطاعت می کنند. پس اگر دین ندارید در دنیا آزاده باشید تا آخرت میان شما قضاوت شود.

اللهم صلّ علی محمد وآله واجعل اوسع رزقک علیّ اذا کبرت

با درود خداوند بر محمد و آل او

پروردگارا رزق و روزیت را در زمان پیری بر من وسعت بده و مرا از وسیع ترین روزیهایت بر خوردار ساز. پیری میتواند نقطه اوج جهل و نادانی باشد یا نقطه بروز کمال معنویت و باید دانست که این

حالت‌های نفسانی شکلی از آموخته های جوانی است که بصورت ملکه در انسان در آمده و قابل تغییر نیست. مگر انسان تا قبل از چهل سالگی خود را تزکیه نفس کند. جالب اینکه آنچه در جوانی از عبادت و کارهای خیری که انسان انجام می دهد در پیری برایش ثبت می گردد اگر قادر به انجام آن نباشد.

و اقوی قوَتک فی اذا نصبت و لا تبتلینی بالکسل عن عبادتک

پروردگارا مرا از ضعف و در ماندگی دور ساز . و مرا دچار کاهلی و سستی در عبادت مکن که موجب نقص است. یکی از عبادت‌های مهم ، نماز است . نماز موجب تقرب به خداست . هیچ خدمتی با نماز برابری نمی کند . نماز ستون دین و گذرنامه عبور در برزخ است . نماز انسان را از فحشاء و کارهای زشت دور می سازد . از قول رسول خدا (ص) در میزان الحکمة می فرمایند: روزی پنج بار در رودی که جلوی خانه شما جریان دارد خود را شستشو دهید تا چرک و کثافات باقی نماند.

و لا العمی عن سبیلک

پروردگارا راه تو راه هوشیاری است نه راه غفلت که اگر غفلت باشد کوری من است در راه تو. انسان کور کسی است که چشم دلش کور است. کوری در برابر حقایقی که نادیده گرفته شده و گمراهی و ضلالت نتیجه آن است. انسان کور راه هدایت به حقایق را نمیابد.

و لا بالتعرّض لخلاف محبتک

پروردگارا کوری یعنی گرایش به باطل و درک نکردن محبت تو. پس مرا یاری فرما تا از محبت تو دور نشوم و قدر نعمت‌های تو را بدانم و شاکر نعمت‌های تو باشم زیرا اعراض از مکتب تو سرآغاز بدبختی من است.

اللهم اجعلنی اصول بک عند الضرورة و اسألک عند الحاجة

پروردگارا بر من عنایت فرما که به هنگام ضرورت و نیاز به سوی تو روی آورم و در رفع مشکلاتی که خودم برای خودم بوجود آوردم از تو یاری طلبم . ای انسان بدان که تو ضعیف خلق شده ای و خداوند برای تو وسیله قرار داده تا با آبرو باشی و با ادب به درگاهش روی آوری . آن وسیله (دعا با شرایط آن و نماز و توسل به ائمه اطهار (ع) .

واتضرع اليك عند المسكنة

پروردگارا به سوی تو می آیم در حالیکه نیازمندم و دیدگانم اشکبار است. به هنگام فقر و نیازمندی مادی و یا روحی اشکها جاری است ولی آنچه دل انسان را محکم و مطمئن میکند صبر در حین نیازمندی است تا عزت بشر حفظ گردد و به غیر خداوند تعالی متوسل نگردد.

و لا تفتنی بلا ستعانة بغيرك اذا اضطرت

پروردگارا به هنگام نیازمندی و درماندگی به غیر خودت مرا امتحان مفرما. گرفتاریها و نیازها محل امتحان الهی است و ما در این امتحانها که محل قرب الهی است میخواهیم خدا از ما راضی باشی تا شایسته دریافت توفیق او در عبادت و طاعت و رسیدن به اخلاص باشیم.

و لا بالخضوع لسؤال غيرك اذا فتقرت

پروردگارا ابراز نیازمندی به غیر از تو شرک است. توحید تویی، یگانه تویی، حاجت تویی، امید تویی. من با کمک از ائمه (ع) می خواهم آنچه را که رضایت تو است. ائمه (ع) باب حطه هستند و آن دروازه سلامت است که هر کس در آن در آید موفق به توبه می گردد و از نظر روحی سالم می ماند و از رذائل اخلاقی نجات یابد و متخلفین نابود گردند.

و لا بالتضرع الي من دونك اذا رهبت فاستحق بذالك خذلانك و منعك و اعراضك يا ارحم الراحمين

پروردگارا همان هنگام که عقوبت در دنیا مرا هراسناک کرده و سردرگم ساخته، گریه و تضرع مرا خوف از خودت قرار بده، نه برای غیر خودت، نه برای ترس از آنچه که به سرم آمده است. خدایا گریه من گریه ضعف است، ضعف ناشی از حوادث دنیا، ولی توحیدم آنقدر قوی است که در هنگام تضرع از تو جدا نشوم و می دانم که تو دوست نداری به غیر خودت متوسل شوم و اگر لحظه ای به غیر تو بیاندیشم آنگاه مستحق خذلان و خواری و قهر تو هستم و اعراض و بی اعتنائی تو از من است، ای مهربان ترین مهربان.

اللهم اجعل ما يلقي الشيطان في روعي من التمني و التظني و الحسد ذكرا

پروردگارا شیطان در دلم ظن و شک و حسد را القاء می کند. از تو درخواست می کنم آنچه را که شیطان در دلم القاء میکند از من دور سازی و یاد خودت و اندیشیدن در عظمتت و تفکر در خالقیت و مالکیت

خود را نصیب من کن تا بتوانم راه چاره ای برای مبارزه با دشمنان پیدا کنم دشمنانی که در رنگها و شکل های گوناگون در میان مردم جزءگمراهی و ضلالت اخلاقی هدف دیگری ندارند . بر حذر باشید از دشمن خدا که شیطان است و او شما را به تکبر و حسد دچار میکند . حذر کنید از شیطان که در سینه ها بطور پنهانی نفوذ کرده و در گوشها زمزمه فتنه میکند . ای بشر دلهای خود را هدف تیرهای مسموم شیطان قرار ندهید . جاه و مقام در صفت بزرگی است و آن جزء در تفکر در عظمت الهی نیست.

و ما أجرى على لسانی من لقطه فحش او هجرا و شتم عرض او شهادة باطل او اغتیاب مؤمن غائب او سب حاضر او شبه ذلك نطقاً بالحمد لك و اغراقاً فی الثناء عليك و ذهاباً فی تمجیدك و شكراً لنعمتك و اعترافاً باحسانك و احصاء لمنك.

پروردگارا از خودم شکایت دارم: ادمی هستم که زبانش آلوده به ناسزا و فحش است . زبانی که حرمت نمی شناسد و آبروی مردم را میبرد و هنگام شهادت ، شهادت باطل میدهد. زبانی غیبت کننده با اینکه می داند غیبت از زنا بدتر است ولی همچنان سرگرم آن است. در معاشرتها زود از کوره در می روم و عصبانی می شوم و عصبانیت از چهره ام پیدا نیست بلکه بر زبانم جاری است . خدایا میدانم این صفات ناپسند است . از تو درخواست میکنم این صفات را از من دور سازی و عشق به مناجاتت را به من بچشانی و مرا شکر گذار نعمتهای خود قرار دهی نعمتهای بی شمار تو که توانائی شمارش آنها را ندارم . من اعتراف میکنم که تمام نعمتها از آن توست و تو آنها را از باب احسان و لطف به بنده ات عنایت میفرمائی.

اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و لا اظلمنّ و انت مطیق للدفع عنی و انت القادر علی القبض منی

درود بر محمد و آل او: پروردگارا چنان کن که من مورد ظلم کسی واقع نشوم که تو قادری در دفع ظلم از من . از تو میخواهم مرا یاری فرمائی که به کسی ظلم نکنم تا از گروه ظالمین نباشم . خدایا در دام ظلم افتادن یعنی نعمت تو را از دست دادن و عقوبت تو را کسب کردن . ستم و دشمنی روا داشتن ، قدرت عقل و تعقل را از انسان میگیرد و در دنیا نیستی و در آخرت نابودی را نصیب انسان می کند . شخص زورگو محیط و جو را آلوده می کند و تمام انتقامها را به سوی خود جلب میکند و میدان دوستی را از دست می دهد.

ولا اضلنّ و قد امكنتك هدایتی

پروردگارا از گمراهی می ترسم .. وقتی تو مرا هدایت می کنی گمراهی محل اعراب ندارد . اضلال و گمراهی برای کسانی است که در دنیا جاهل هستند و دنبال هوا و هوس خود هستند و اگر بخواهیم هویت آنان را بشناسیم اینکه مجهول الهویت هستند زیرا کتاب خدا را نشناخته و شیاطین انس و جن آنان را به طغیان و سرکشی انداخته اند.

و لا افتقرن و من عندک وسعی

پروردگارا یقین دارم که دچار فقر نمیشوم چون روزی دست توست. علی (ع) می فرمایند: روزی هر کس همانند عمر و اجل او مقدر گشته است. چرا حرص میزنید؟ خداوند تنبلی را دوست ندارد و همواره کار و کوشش را سفارش کرده و آن هنگام که خداوند به تو روزی میدهد تو هم با سعی و کوشش خود آنرا توسعه بده . تا به تقدیر الهی برسی. ولی بدان که آدمی با گناه از روزی خویش محروم می شود و تقدیر را جز دعا رد نمی کند و عمر جزء با نیکوکاری دراز نمیشود و هیچ کس نمی میرد مگر روزی اش را به تمام و کمال بگیرد هر چند دیر رسد. پس با خوف و رجاء جرکت را آغاز کن و بدان به آنچه که سهم تو در این دنیاست می رسی.

و لا اطغین و من عندک وجدی

پروردگارا طغیان و سرکشی نمی کنم ، با اینکه توانگری از آن توست . انسان مجبور به شناخت تواناییهاست تواناییها قابلیت ها را بوجود میآورد و قابلیتها میزان دارد قابلیتها باید مطابق تواناییها باشد تا طغیان شکل نگیرد بخصوص در کسب روزی.

اللهمّ الی مغفرتک وفدت و الی عفوک قصدت و الی تجاوزک اشتقت و بفضلک وثقت

پروردگارا تو آمرزش را برای من قرار دادی و راه توبه را به من آموختی و این فضل توست . من هم به سوی فضل تو و مغفرت تو شتابان حرکت میکنم . زیرا آنجا که بخشش تو زیاد باشد من شتابان و مشتاقانه برای فرار از شقاوتها ئی که کردم بسوی بخشش و عفو تو حرکت میکنم زیرا به فضل تو اعتماد دارم و به عفو تو مشتاق هستم .

و لیس عندی ما یوجب لی مغفرتک و لا فی عملی ما استحق به عفوک

در برابر فضل و مغفرت تو می گویم : پروردگارا من لیاقت ندارم
لیاقتی که مغفرت تو را در بر داشته باشد . و عملم شایستگی عفو تو
را ندارد چون در طریق تو کوتاهی بسیار داشته ام .

و مالی بعد ان حکمت علی نفسی الا فضلک

پروردگارا، فضل تو امید من است و من اطمینان دارم که راه حق راه
فضل توست و فضل تو هر کسی را در بر نمیگیرد و من باید از خودم
لیاقت نشان بدهم تا قضا تو شامل حال من بشود . پس نفس خود را بر
طبق فضل تو آراستم و بسوی فضل تو فرمان دادم .

فصل علی محمد و آله و تفضل علی

با درود بر محمد و آل او ، پروردگارا از تو درخواست می کنم توفیق
درک فضائل را به من بدهی فضائل تو بر بنده ات نشانه ی لطف توست
و این برای من بسیار پر ارزش است و میدانم که انسان برای رسیدن به
فضایل باید در امتحانات الهی موفق گردد . امتحانات الهی ، فقر ،
ثروت ، بیماری ، تندرستی ، موت ، حیات.....

اللهم و انطقنی بالهدی و الهمنی التقوی و وفقنی للتی هی ازکی و استعملنی بما هو ارضی

پروردگارا ، هدایت تو را دوست دارم و این هدایت فضل توست . حال
زبان گویا در مسیر هدایتت به من بده تا امر به معروف کنم و دلم
را به تقوی بیارای تا نیتها خالصانه گردد و خلق و خوی مرا آنچنان
کن که حسن خلق داشته باشم . و عملم را نیکو گردان به طریقی که
مورد پسند و رضای تو باشد

حضرت رسول (ص) می فرماید : " دو رکعت نماز که مرد پرهیزگار
میگذارد بهتر است از هزار رکعت نماز که مرد لا ابالی میگذارد".
پرهیزگاری سرور عمل است . پرهیزگاران آنانی هستند که ضرر و زیان
را در بی دینی و منفعت را در دینداری دانسته اند . آنان یقین را
سخ دارند و آخرت خود را آباد کرده اند . عارفان پرهیزگار دل از
مباح کنده اند . و بهترین مرکب آنان صبر است پس آنان سرورند، و
عمل آنان نیکو و مورد رضایت پروردگار و همنشینی با آنان مایه ی
برکت است.

اللهم اسئلك بی الطریقة المثلی واجعلنی علی ملتک اموت و احیی

پروردگارا ، مرا یاری فرما از طریقی که شبهه به حق است و نیکو ترین راه است به سوی تو . پس مرا یاری فرما تا با حق گرایم بمیرم و روز موعود زنده شوم .

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتَعَنَّى بِالْاِقْتِصَادِ

درود خداوند بر محمد و آل او، پروردگارا، استقامت ، ثبات، میانه روی، اعتدال را طریق من ساز و مرا از افراط و تفریط دور ساز، که میانه روی هر کس مورد رضایت توست . " هر کس میانه رو باشد خداوند بی نیازش سازد."

وَاجْعَلْنِي مِنْ اَهْلِ السَّادَاتِ

پروردگارا، مرا اهل درستی و راستی در گفتار و کردار قرار ده و مرا در این روش استوار قرار دار. جامعه ای که دروغ و زنا و نادرستی و کلاه برداری و خیانت و دزدی و ربا و انحراف اخلاقی و سیاسی و اقتصادی در آن رواج یابد رنگ سعادت و پیروزی را نخواهد چشید

وَ مِنْ اَدَلَّةِ الرَّشَادِ

پروردگارا، راه تو راه حق است و من به راه تو هدایت یافته ام . مرا از اهل صواب قرار ده تا خشنودی تو را فراهم سازم . تنها راه قرب به سوی تو عمل درست توام با علم است. علم و عمل سعادت دنیا و آخرت را تضمین می کند.

وَ مِنْ صَالِحِ الْعِبَادِ

پروردگارا، مرا جزء بندگان صالح خود قرار بده. خوشا به حال کسی که تواضع دارد بی آنکه از خود کم کند. کسی که نفس خود را خوار میکند بی آنکه خود را در نظرها خوار کند . او کسبش پاک و مالش حلال و همنشینش فقیهان و حکیمان اند. و زیادی گفتارش را حفظ می کند. رسول خدا (ص): بندگان صالح مسائل مادی و دنیوی را آنقدر اهمیت نمی دهند که مسئله ازدواج به مشکل بر خورد کند.

وَ اِرْزُقْنِي فَوْزَ الْمَعَادِ وَ سَلَامَةَ الْمَرَضَادِ

پروردگارا به من عنایت فرما و روزیم گردان رستگاری در روز قیامت را تا از کمینگاهها با سلامتی عبور کنم . آن کس در آخرت رستگار است که در دنیا از نظر ایمان و فکر و خرد سلامت باشد و مهار کردن نفس اماره را از وظایف شرعی خود داند. زیرا عشق واقعی در برابر معشوق واقعی هرگز رسوایی ببار نمی آورد.

اللهم خذ لنفسك من نفسي ما يخلصها و ما ابق لنفسي من نفسي ما يصلحها فان نفسي او تعصمها

پروردگارا ، آن قسمت از نفسم که خالص است برای توست و برایم باقی گذار آن قسمت نا خالص را تا آنرا اصلاح نمایم نفسم در معرض هلاکت است و فقط تو می توانی آنرا از هلاکت حفظ کنی و تنها با یاری تو میتوانم این نفس اماره را تزکیه کنم تا راهی روشن و مطمئن برای خود بیابم. پروردگارا آرزو دارم که آن قسمت و یا آن مقدار از نفس خود را که تزکیه کرده ام به تو امانت بسپارم و دست از تزکیه خود نکشم تا نفسی سالم و ایثارگر داشته باشم. نفسی که از افراط و تفریط دور باشد و راه اعتدال در زندگی را در پیش بگیرد و در جریان زندگی موفق تر باشد.

و انت منتجی ان حرمت

پروردگارا از هر کجا و هر چه محرومیت کشم بازبه تو پناه می آورم. هو الاول و الاخر و ظاهر و باطن.

و بک استغاثتی ان کرثت

هنگام افسردگی و اندوه فریاد رس من توئی. پروردگار پناه و فریاد رس انسان است پس خدا را به گونه ای یاد کن که او در آنچه تو می خواهی یاورت باشد. گفتارت ذکر خدا و نگاهت عبرت باشد . با اعتماد و اطمینان و یقین کامل به سوی حق قدم بردار.

و عندک ممّا فات خلف و لما فسد صلاح و فیما انکرت تغییر

تدارک و جبران برای خدا آسان است . تدارک و جبران آنچه که فوت شده برای انسان بسیار مشکل است. ولی اگر انسان چنین قصدی کند و آن را به انجام برساند یعنی جبران حال گذشته خود ، این سر آغاز صلاح و رستگاری است چه در انجام واجبات و چه در انجام مستحبات و مکروهات . پروردگارا آنچه که از دست برود عوضش دست توست و هر چه تباه شود اصلاحش دست توست و در آنچه در نزد تو ناپسند است تغییرش با توست.

فامنن علیّ قبل البلاء و بالعافیة و قبل الطّلب بالجدة و قبل الضّلال بالرشاد

پروردگارا ، بر من منت گذار و عافیت را پیش از بلا انعام کن و قبل از در خواست مرا توانگر قرار ده و قبل از گمراهی به هدایت رهنمودم ساز . بلا در این زمان بسیار است . گاهی خداوند انسان را مبتلا می سازد برای امتحان در دنیا و گاهی بلا ها از روی غفلت و کم عقلی و ضعف به دست خود انسان به وجود می آید که پشیمانی را به دنبال دارد . ولی باید از سختی بلا و رسیدن به بدبختی و پرده دری دشمنان به خدا پناه برد و از خداوند متعال یاری خواست.

عافیت قبل از بلا در دعا به معنای این است که از خداوند می‌خواهیم تا سلامتی جسم و روح را بما عنایت فرماید که خداوند پس از ایمان بهتر از عافیت نداده است. تکبر و غرور و حسد و کینه و امیال طولانی و عشق به ثروت و مال چشمها را بر روی حقایق بخصوص حقایق دینی بسته است. از خداوند یقین و عفو بخواهیم که کسی را خداوند پس از یقین چیزی بهتر از عفو نداده است. توانگری دو گونه است: توانگری در برابر فقر و نیاز که در این معنا هر چند انسان نیازمند و فقیر باشد آنگاه خود را توانگر پندارد و عزت خود را حفظ کند و در نزد دیگران خود را خوار نکند و دست نیاز خود را پیش خداوند دراز کند، چنین انسانی در نزد خداوند توانگر است و خداوند متعال او را بی نیاز سازد اگر خلاف و گناه و حرام در کارش ممزوج نشده باشد. چه بسا توانگر و ثروتمندی که فقیر تر از هر فقیری و نیازمند است. ثروت مستی آوراست و خطر بزرگی در جهت شیوه و اندیشه انسانهاست. غفلت و فراموشی دو عنصر جبران ناپذیر در وجود انسانهاست که ناشی از ثروت‌های مادی است..

گمراهی طروق گوناگون دارد، و در مقابل هدایت همان صراط مستقیم است که یک راه بیشتر نیست و آن راه اهل بیت (ع) و قرآن می باشد. گمراهی و ضلالت راه گرایشهای منفی و راه غلبه ی شیطان و همان راه دین گریزی است. گمراهی راه شرارت و هرزگی و بی بند و باری و بی غیرتی است، راه کسانی که با اعمال ناشایست خود نقطه سیاه را در دل خود پدید آورده و از انوار الهی خود را محروم ساخته اند. گمراهی راه چیرگی گناه است در فرم های گوناگون عقیدتی، کلامی، و سیاسی، مانند سکولاریسم، شیطان پرستی، لائیک، وهابیت، بهائیت. گمراهی سرانجامی جز کفر و شرک ندارد. گمراهی راه توبه را می بندد.

واکفنی مونة معرفة العباد

پروردگارا، مرا از آزار رساندن به بندگان محفوظ دار یعنی از گفتارها و اعمالی که در حق مردم روا میدارم بدون اینکه به عواقب آن پی ببرم.

و هب لی امن یوم المعاد و امنحنی حسن الارشاد

پروردگارا آ رامش در روز جزا، را به من عطا فرما. و در رسیدن به این موفقیت راهنمایی نیکو را در دنیا به من ارزانی فرما. برای خلاصی از عذاب آخرت در این قسمت دعا از خداوند متعال می خواهیم ما را در شناخت دین و شناخت مسئولیتهای دینی یاری فرماید تا با بهره گیری از دانش اعتقادی و فلسفی و معارفی قرآن در راه مبارزه با جهل و اشاعه ی بی دینی در اجتماع و بدعت‌های دشمنان اسلام و ترویج فرقه‌های ضاله کوشا باشیم و نقش مسئولیت پذیری خود را نسبت به

حجتهای الهی اثبات نماییم. و اینگونه است که انسان می تواند حق الهی و حق مردم را ادا نماییم.

امنیت در روز قیامت بستگی به شناخت کتاب و عترت دارد و اینکه دنبال بدعت گذاری و نو آوری در دین نباش که این هلاکت انسان را در روز قیامت حتمی می سازد. حسن الارشاد راه اهل بیت (ع) است که ولایت ائمه (ع) را در قران باسبب و چند آیه نشان داده است. شناخت راه کمال جزء با شناخت فرزندان نبی(ص) میسر نمی گردد. "اهدنا الصراط المستقیم". آنان که راه اهل بیت(ع) را شناختند و در راه کمال روحی و معنوی بسوی خدا لبیک گفتند امنیت روز قیامت رابه دست خواهند آورد. و آنان که هدف از آفرینش را درک نکردند و زندگی دنیا را همان آخرت میدانند و سختیها و مشکلات آن را از عوامل دهر می دانند دهریون هستند پس در دنیا آزاده هستند و دین ندارند و باعث گمراهی دیگران میشوند قیامت آغاز گرفتاری و عذاب بر آنان است.

اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و ادراعی بلطفک و اغذنی بنعمتک

پروردگارا از من دور کن آنچه را که تو دوست نداری من انجام دهم . به لطف و مهربانیت. آنچه که تو دوست نداری انجامش برای من شر است و من قدرت درک آن را ندارم.

و اصلحنی بکرمک

پروردگارا به کرمت مرا اصلاح نما . (توفیق الهی فقط با شناخت مسائل و آموزه های دینی و عمل به آن میسر می گردد). قدم مؤثر در انسانیت ، رفع نواقص اخلاقی ، دوست بدار آنچه خدا و عترت دوست دارد و دشمن بدار آنچه خدا و عترت دشمن می دارد. برای رسیدن به این درجات نماز اول وقت ، نماز شب، و رعایت نوافل و زیاد استغفرالله فرستادن است.

و داونی بصنعک

پروردگارا در مانم کن به شیوه ی خودت . بیماری اخلاقی که ناشی از عمل به نفس اماره است دردناک است . و امروزه با تعبیرات گوناگون مانند افسردگی و استرس و وسواس و بیماریهای روحی... از آن یاد میشود که اگر درمانش از راههای پزشکی و خوراندن قرصهای آرام بخش صورت گیرد بسیار مخرب است زیرا اگر انسان خودش را پیدا کند و خدایش را بشناسد آرامش را کسب کرده و دیگر نیاز به درمان از طریق قرص ندارد و در این هنگام فرد می داند که به هنگام بروز ناراحتی و یا مشکلات با مناجات الهی آرامش خود را به دست آورد. پس

ابتداء سعی و کوشش فرد در کسب معرفت و بعد دستگیری خداوند از انسان.

و اظلنی فی ذراک

پروردگارا، مرا در سایه رحمتت قرار ده. رحمت خدا بر بنده آن هنگام است که بنده شکر نعمت الهی را بجا آورد. شکر نعمت، افزایش نعمت را در بر دارد.

و جللنی رضاک

پروردگارا، بر من بپوشان لباس رضایت و خشنودی خود را. اگر قران و روایات را شناختی و باور داشتی و یقین را غالب بر نفس خود ساختی و مراقبت از فعل و قول خود کردی و خود را موظف به انجام وظایف شرعی و اخلاق اسلامی کردی شاید لباس رضایت را بر تن کنی.

و وفقنی اذا اشتکلت علی الامور لاهداها

پروردگارا، مشکلات بر من بسیار است راه چاره در برابر مشکلات توکل بتوست و من باید طریق انرا بیابم پس مرا موفق دار در رفع مشکلات. توکل مرز دارد، مرز رسیدن به آن یقین است.

و اذا تشابهت الاعمال لازکاها

پروردگارا مرا یاری فرما تا به دنبال پاکیزه ترین و خالص ترین کارها باشم. آن هنگام که شبهات مطرح میشود و بدعتها نقش تخریبی خود را نشان می دهند آموختن و حفظ احادیث ائمه (ع) تنها راه مبارزه با این تضاد هاست. دفاع از دین در برابر دشمنان بر همه شیعیان واجب است. خداوند ما قدرت بده تا در جهت حق طلبی ایفاء نقش کنیم و از مکتب تشیع دفاع کنیم حتی به قیمت از دست دادن جان خود. و این تنها یک قدم به سوی تزکیه نفس است. دنبال شبهات رفتن و بیان آن و باورهای آن عقل را تضعیف کرده و جهل را تقویت می نماید و این آغاز تمایل به گرایشهای منفی در دین است. در زمان غیبت فرقی ها شکل میگرد و فتنه ها بر موجودیت خود پا فشاری میکنند. و اصل دین زیر سؤال میرود نه با علم بلکه با جهل و نادانی، که اگر علم تقویت بشود جایی برای مانور در شبهات نیست.

و اذا تناقضت الملل لارضاهها

هر گاه ملتها در شیوه و روش خود متفاوت باشند، در آن وقت می گوئیم؛ پروردگارا مرا یاری فرما در آن روشی که مورد قبول توست

زیرا می‌خواهم تو از من راضی باشی . شناخت کامل و تحقیق و تدبیر در دین اسلام و شیعه شناسی بصیرت لازم را به انسان میدهد و از تناقضات دور می‌سازد .

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

و توجنی بالكفایه

با درود بر خداوند بر محمد (ص) و خاندان او .خدایا از تو درخواست می‌کنم به من لیاقت بدهی که فروتنی آموزم و از خواری دور باشم . خواری من آن هنگام است که به دنبال رفع نیاز از غیر خدا باشم .بنده باید از شر روزگار به خدا پناه برد و نیاز خود را با خدا در میان گذارد و از طریق آنچه خدا برای او مقرر کرده (وسیله) طریق خود را بجوید .

و سمنی حسن الولاية

پروردگارا، مرا لیاقت بده تا ولایت را درک کنم . و به وسیله ولایت شایستگی پیدا کنم به نیکویی و حسن تدبیر . شناخت ولایت و پیروی از ولایت راه حق است پس "علی مع الحق و حق مع علی(ع)"

و هب لی صدق الهدایة

هدایت زیباست . آن کس که عقل را بپذیرد عقل نیز او را می‌پذیرد .عقل در برابر جهل است .پس آنجا که عقل باشد هدایت شکل می‌گیرد . هدایت تابع عقل و منطق است و بیراهه نمی‌رود .پروردگارا مرا لیاقت بده تا در مسیر هدایت به درستی عمل کنم و مشکلات من را از پادر نیاورد و همچنان استوار مانم .خوشا به حال کسی که بشتابد به سوی هدایت پیش از آنکه با آجل در ها بسته گردد .

و لا تفتنی بالسعة

امتحان الهی برای تکامل بشر است و انسان کامل قانع است و از خدا در افراط و تفریط می‌ترسد و روزی را در مقدرات الهی میداند و به مقدرات الهی راضی است .طمع و زیاده خواهی انسان را به حرام خواری وا میدارد و کسب روزی با گناه توأم میگردد .پروردگارا ، مرا لیاقت بده تا در وسعتها امتحان نشوم .واگر امتحان میشوم از استواری در دین جدا نشوم .

وامنحنی حسن الدّعة

پروردگارا مرا لیاقت بده و بر من ارزانی دار آرامی وملایمت در زندگی را . "انسان زمانی که بدنبال آرزوهای طویل نرود و تقاضاها را کم کند و انتضارات را کاهش دهد آرامش ووقار یابد."

و لا تجعل عیشی کذا کذا

پروردگارا مرا لیاقت بده که معیشتم و زندگیم سخت و پر زحمت نباشد. رسول اکرم(ص) می فرمایند: هر گونه خواهی زندگی کن ولی می میری و با هر که می خواهی دوستی کنی ولی از او جدا می شوم و هر چه می خواهی بکن ولی سزایش را می بینی.

ولا تردّ دعائی علی ردّا

پروردگارا، مرا لیاقت بده و دعایم را بر من رد مکن.دعا را غنیمت بشمارید که این رحمت است . دعا پشت سر برادر دینی رد نمی شود . دعا برای کسانی که در حق تو نیکی کردند رد نمی شود . دعا ی پدر ومادر برای فرزند همانند دعای پیامبر برای امت است رد نمی شود.دعای ستمدیده رد نمی شود . دعای مسافردر سفر به دور از معصیت رد نمیشود .دعای روزه دار رد نمیشود .آنگاه که دعا میکنی فرشتگان بر دعای تو "امین" می گویند. از تقدیر الهی نمی توان گریخت ولی دعا بر بلایی که هنوز به تقدیر نرفته سودمند است. دعا به هنگام سختی مستجاب میشود به شرطی که به هنگام آسایش و خوشی ارتباط خود را با خدای خود قطع نکنی.دعای بیمارمستجاب می شود چون بیمار مادامی که درزندان (بیماری) خدا است زندان بانس خدا است و بیماری کفاره گناهان اوست پس بااین شرائط دعای او مستجاب میگردد. زمان ومکان و حالت تواضع وخشوع فرد با اقرار به گناهان و طلب آمرزش در اجابت دعا موثر است .دعا باید با قلبی پاک و ایمان خالص همراه باشد و کسب روزی حلال وبدون ناپاکی دعا را به استجابت نزدیک می کند .شیوه ی دعا این است :۱-اقرار به گناهان خود ۲- توبه کردن ۳- گریه و زاری ۴- صلوات در اوّل دعا و در آخر دعا ۴-ابتدا دعا در حق چهل مؤمن .

فائی لا اجعل لك ضداً

پروردگارا دعایم را رد مکن زیرا من برای تو شریکی قائل نشدم و همیشه تابع دستورات تو بودم وهرگز معارضی در برابر تو قرار ندادم.وذكر دائم من: لا الله الا الله بوده و رضایت تو را بر پیروی هوای نفس خود ترجیح داده ام .

و لا ادعو معك تداً

پروردگارا ، با تو مثل و مانندی نمی شناسم . خدایا تو یگانه هستی و تنها تو را می شناسم و از تو یاری می طلبم زیرا هر کس با تو باشد هم دنیا و هم آخرت را دارد و سعادت مند زندگی می کند، و از چیزی و کسی هراسی به دل راه نمی دهد و گرفتاریها و بیماری ها در نظرش آفت و بلا نیست بلکه راهی است به سوی کمال انسانیت ، کمالی که با صبر آمیخته شده و دفع بلا را حتمی می سازد.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اَمْنَعْنِيْ مِنَ السَّرْفِ وَ حَصِّنْ رِزْقِيْ مِنَ التَّلْفِ وَ وَفِّرْ مَلَكْتِيْ بِالْبِرْكَةِ فِيْهِ وَ اصْبِ بِيْ سَبِيْلِ الْهَدَايَةِ لِلْبِرِّ فَيَمَا اَنْفَقَ مِنْهُ

درود خدا بر محمد و آل او . پروردگارا از تو درخواست می کنم که مرا از اسراف باز داری و رزق مرا از تلف شدن و بیهوده مصرف شدن حفظ نمایی و دارائی مرا برکت و فزونی ده تا در راه خودت به نیکوئی صرف گردد و مرا به راه صواب و هدایت رهبری نما . نیکی به مردم فقیر و مستمند با آبرو بدون منت از وظایف شیعیان با ایمان است که از راه علی (ع) جدا نمی شوند. باید دانست که هر گاه خداوند برای بنده ای بدی خواهد مال و دارائی را محبوب او گرداند و آرزوهای او را توسعه دهد . و هر گاه خداوند بنده ای را دوست بدارد مال را در نظر او میغوض گرداند و آرزوهای او را کوتاه کند .

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اَكْفِنِيْ مَوْئِنَةَ الْاِكْتِسَابِ وَ اِرْزُقْنِيْ مِنْ غَيْرِ اِحْتِسَابٍ فَلَا اَشْتَغَلُ عَنْ عِبَادَتِكَ بِالطَّلَبِ وَ لَا اِحْتَمِلُ اَصْرَتِبَعَاتِ الْمَكْسَبِ

درود خداوند بر محمد و آل او . پروردگارا در کسب رزق و روزی حلال مرا از رنج کشیدن دور نما و روزی بیدریغ خود را آنچنان بمن عطا فرما که در راه کسب آن از اطاعت و بندگی دور نشوم . و یا آنچه در راه تو با مجاهدت بدست آوردم از دست ندهم .

اللّٰهُمَّ فَاطِبْنِيْ بِقَدْرَتِكَ مَا اَطْلُبُ

خدایا به قدرتت آنچه از تو طلب می کنم بمن عطا فرما. طلب از خداوند باید بدون طمع باش زیرا طلب اگر با طمع همراه باشد رنج و خواری و محنت را بدنبال دارد و انسان به جایی نمی رسد . زیاده خواهان همیشه در کمی و نقصان می افتند . در طلب روزی باید میانه رو بود تا موفقیت نصیب انسان گردد.

وَ اجْرِنِيْ بِعَزَّتِكَ مِمَّا اَرْهَبُ

پروردگارا به عزت خودت از آنچه که در هراسم ایمنم ساز . خوف از خدا پسندیده است . خوف از خدا انسان را مطیع اوامر الهی قرار می دهد . خوف از خدا ایمنی از عذاب و عتاب آخرت است و کسی که از خدا

بترسد از دیگران هراسی ندارد. لباس مؤمنان لباس تقوی است و لباس تقوی جزء با بیم و هراس از خداوند زینت نگردد. بدبخت کسی است که از غیر خدا هراس داشته باشد و او کسی است که زندگی دنیا و آخرت را باخته است و عقاب آخرت سرانجامش است. خوف و هراس از خداوند یعنی ترس از عذاب الهی که باعث می‌گردد شخص گناهان را ترک کند و حکم الله در عملش پیاده گردد.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ وَصْنِ وَجْهِ بِالِيسَارِ

با درود خداوند بر محمد و خاندان گرامیش، پروردگارا آبروی مرا در توانگری محفوظ دار، و مرا از افراط و تفریط باز دار. خداوندا توانگری صفتی است که تو در اختیار من گذاشته ای. ایکاش بتوانم و قادر باشم آن را در جهت رضای تو بکار بگیرم که اگر مرا به خود واگذاری به افراط و تفریط مبتلا شده و راه را به بیراهه میکشانم.

و لا تبذلّ جاهی بالاقْتارِ

پروردگارا منزلتم را به سبب نیازمندی و تنگدستی پست نکن. شکر و سپاس الهی باید در طول زندگی انیس انسان باشد. و هر چند انسان راضی به رضای خداوند باشد در زندگی قانع و مطیع است و زیاده طلبی از او رخت بر میبندد. انسان کریم خود را در برابر خواهشها حفظ میکند تا عزتش جاویدان شود.

فاسترزق اهل رزقک

اگر از روزی خوارانت طلب روزی کنم عزت از من دور میشود و پست میشود. روزی رسان تویی و به من توانایی ده تا ایمان خود را تقویت کنم تا عزتم طعمه شیطان قرار نگیرد.

واستعطي شرار خلقک

خداوندا در تقاضای روزی از غیر تو سعادت از من دور میشود زیرا ممکن است از افراد شرور تقاضای روزی کنم.

فافتتن بحمد من اعطانی

آنگاه که از دیگران تقاضا کنم پس به سپاس گوئی از کسی مجبور شده ام که به من چیزی را عطا کرده است که این جزء حماقت چیز دیگری نیست. انسان باید نیکوکار باشد و نیاز مردم را بر طرف کند در جهت رضای پروردگار خود، تا دعا مردم بدرقه راه او باشد. ولی آنگاه که کار را برای مردم بدون در نظر گرفتن رضای خدا باشد سرگردانی است.

وابتلی بدم من منعی

پروردگارا مرا مبتلا مساز به نکوهش کردن از کسی که از من دریغ کرده است. خود خواهی ناشی از توقع های بی جاست.

و انت من دونهم ولی الاعطاء والمنع

در حالیکه صاحب اصلی و حقیقی عطا و بخشش تو هستی ، اگر بخواهی عطا می کنی و اگر بخواهی دریغ می کنی . انسان باید در طول زندگی دنیا در برابر نعمتها ی الهی شکر گزار و قانع و مطیع باشد با هوسها مبارزه کند زیرا برترین جهاد جهاد با نفس است. از بیهودگی و غفلت دوری کنید . در پیشگاه خداوند خاضع و خاشع باشید و بدانید ، از خانه هائی که در دنیا می سازید خانه هائی هستند که می سازید ولی در آن نمی مانید . چیزهائی تهیه میکنید که از آن نمی خورید . و آرزوهائی دارید که به نمیرسید . این شیوه شیوه نا امیدی نیست بلکه شیوه روشنفکری و تعقل است که آنرا از قوه ی نظری و دید روشن خود به جهان آفرینش می یابید .

اللهم صلّ علی محمد و آله

وارزقنی صحة فی عبادة و فراغا فی زهادة و علماً فی استعمالٍ و ورعاً فی اجمالٍ

پروردگارا صحت و سلامتی در عبادت را روزیم گردان . سجاده عشق آن سجاده عبادت ، آن هنگام که زمان مناجات فرا میرسد چگونه در آن سجاده وارد شوم و عشق چگونه شکل بگیرد و مرا چگونه به الوهیت وصل کند . میزان ، درک صحیح از خالقیت و مالکیت و الوهیت است . میزان ، فهم انسان در درک احکام شرعی است . میزان ، درک انسان از قدر و منزلت کتاب خدا و سنت الهی است . میزان ، درک انسان در تزکیه روح است . میزان ، درک انسان در شناخت و دوری از انحرافات اخلاقی و سیاسی و دینی و اجتماعی است . قبله امانتی است از طرف خداوند متعال و من باید در امانتداری دقیق باشم تا در عقاید م خدشه و نقطه کوری ایجاد نشود . آنوقت که انسان در جهت رضای خدا و برای خشنودی ائمه (ع) قدمی مثبت و مفید و قابل توجه بر می دارد حقانیت دین اسلام در کلمه ی ایثار شکل میگیرد و رنگ خدائی جلوه ای از نور میشود و قرن ها جلوه ی نور الهی از تحریف باز می ماند و راه دشمنان دین شناخته می شود و با مانور دشمنان اسلام بیزاری از آنان شکل گرفته و خط شیطانی و اهداف آنان در فِرَق های گوناگون برای تمام مردم جهان مسلم میگردد و در این مرحله مبارزه با ظلم و بیدادگری بصورت جماعت پر شور آغاز می گردد و آنگاه است که کلمه ی توحیدی " ایثار " شکل میگیرد و کوشش در شناخت امانت الهی به ثمر می رسد و با حکومت اولیای الهی و فرزندان به حق پیامبر (ص) و با ظهور دوازدهمین آنان مهدی صاحب زمان (ع) دنیا از جهل و ظلم و ستم نجات می یابد . پس در این دعا از خدا می خواهیم عبادت صحیح آن عبادتی که وقتی انسان سر به سجده می گذارد اعتراف به حقانیت دین خدا داشته باشد و به پاک بودن خود از دغل با زی ها اعتراف نماید تا با آسودگی زهد را پذیرا باشد و سپس در کنار سفره ی علم بنشیند و بیاموزد و بهره بگیرد و جای علم را با مادیات عوض نکند و در راه کسب علم و پرهیزگاری و آموزش آن برای خود و دیگران کوشا باشد .

و فراغاً فی زهاده

پروردگارا آسایش و فراغت در زهد را روزیم گردان . زهد یعنی خدایت را دوست بدار و از دنیا کناره بگیر نه آنگونه که خودت باشی . زهد بی اعتنائی به تعلقات دنیائی است. زهد یعنی اموالی که در دست توست امانت است، امانتی که صاحبش چند صباحی آنرا حفظ خواهد کرد. زهد یعنی از مال مردم چشم پوشی کنی و اگر مردم نزد تو مالی دارند به آنها برگردانی. زهد آن است که اگر علمی آموختی تماماً عمل کرده باشی. زهد در آرزوهای طولانی نیست. زاهد کسی است که نقض و کمی دنیا را شناخته است خلاصه اینکه خداوند در قرآن زاهد را معرفی میکند که آنچه را که از دست داده تأسف نمی خورد و آنچه را که بدست آورده شاد نمیشود. لکیلا تأسوا علی ما فاتکم و لا تفرحوا بما اتاکم .

و علماً فی استعمالی

پروردگارا علم توام به عمل بمن عنایت فرما . علم بدون عمل صاحبش را از دست می دهد و گمراهی آور است و خداوند علم را نزد کسی میگذارد که دوستش دارد. انجام واجبات و مستحبات عبادت است و می توان گفت که میوه ی علم عبادت و عمل به آن است. منزلت و شایستگی در عمل به علم است پس دانش خود را به دیگران صدقه بدهید که اگر آنرا کتمان کنید جاهل شوید و علم را از دست خواهد داد.

و ورعاً فی اجمالی

پروردگارا پرهیزگاری را به من عنایت فرما . یقین و توکل دل مؤمن را در ایمان خود محکم و استوار می دارد. در پرتو یقین و توکل انسان خاشع و خاضع میگردد و کسی که دلش خاشع و فروتن باشد اعضاء و جوارح او نیز خاشع خواهد شد پس در تمام امور پرهیزگار است. هر کس پرهیزگار گردد خیر دنیا و آخرت روزیش گردد. پرهیزگار بزرگ است و انسان بزرگ هرگز گرفتار خشم و غضب نمی شود ، و در برابر مشکلات صبور است و سنجیده عمل میکند.

اللّٰهُمَّ اختم بعفوک اجلی و حقّق فی رجاء رحمتک املی

پروردگارا جان مرا با عفو خودت بستان . و با امید به رحمت آرزویم را محقق ساز . رحمت خدا بر بنده بسیار با ارزش است انسان امیدوار همیشه مورد رحمت خداوند است پس او از این امیدواری سوء استفاده نمی کند . خوف و رجاء دو صفت پسندیده است . خوف ترس از عذاب الهی و بازدارنده از گناه است و رجاء امید به رحمت خداوند است و بنده در این امیدواری نباید افراط داشته باشد . رجاء و امید باید عاقلانه باشد تا سرزنش آور نباشد.

و سهّل الی بلوغ رضاک سبلی و حسن فی جمیع احوالی عملی

پروردگارا برای رسیدن به خشنودی و رضایت خودت راه را برای من آسان و هموار گردان . و در تمام احوال عملم را نیکو گردان آنگونه

که تو راضی هستی. راه دین راه سهل و آسان است فقط عشق و از خود گذشتگی می خواهد. آنگاه که آنرا یافتی عزت را قرین خود کرده ای و اگر آن را از دست بدهی ضلالت و گمراهی سرگردانت می کند. راه دین راه اعتماد به نفس است. راه دین راه معیارها و ارزشهاست. راه دین راه سلوک عارفانه با یگانه هستی عالم است. راه دین راه انبیاء و اولیای الهی و راه پاکی و صداقت و عدالت است. ای انسان "واستقم كما امرت" راه ثبات و استوار در دین را از دست مده که ضلالت و گمراهی قرین گردد. ضلالت و گمراهی راه فرعونیان و قارون ها و چپاولگران و غارتگران نفوس انسانی است که نتیجه ای جز ناپاکی ندارد.

اللهم صلّ علی محمد و اله و نبهنی لذكرک فی اوقات الغفلة

پروردگارا از تو در خواست میکنم مرا در غفلت های زندگی فرو نبر که غرق شدن در ناکامیهاست. پروردگارا ای خالق هستی چگونه به ذکر مشغول گردم تا تو را داشته باشم نه غیر تو را. خدایا تو را در آسمان و زمین بیابم یا در سجاده ی عشق. محروم از معنویات، محروم از عزتی که تو به دوستداران خود می دهی. محروم از نور السماوات و الارض ای خالق هستی به من عشق بیاموز به گونه ای که بتوانم با تو و ذکر و یادت عشق بازی کنم و پرده ی غفلت را از دلم بزدایم و به سویت آیم و از نور تو و نور ولایت بهره ای گیرم و در پس آن احوالم را نیکو گردانم.

واستعملنی بطاعتک فی ایام المهلة

دنیا زیباست. دنیا افسون گر است. دنیا فانی است. آخرت باقی است. دنیا و آخرت متضاد هستند. به یکی از آن نزدیک شوی از دیگری دور می شوی. طبیعت دنیا مانند آب دریا ست که هر چه از آن بخوری نه تنها سیراب نمی شوی بلکه هلاکت خود را حتمی می سازی. انسان اگر حقیقت دنیا و آخرت و تضاد آنرا را پی نبرد غرق در خود پرستی و شهوت ها شده و عمرش را در طلب لذتها و برتری جوئی و ریاست و جمع مال و دارائی فنا کرده و فرصتها و مهلهای زندگی در رسیدن به معارف حقّه و فضائل اخلاقی و اعمال صالحه را از دست می دهد و خود را مخلص در دنیا می کند. برای چنین آدمی امیدی در ثواب عمل و پاداش کارهای نیک در آخرت وجود ندارد. و در حسرت آنچه مؤمنین در آخرت دارند می ماند. در این قسمت دعا از پروردگار خود می خواهم تا مرا یاری نماید در اطاعت و بندگی خا لسانه خود در دنیائی که ایام مهلت بر آدم شدن و انسان سازی است.

وانهج لی الی محبتک سبیلاً سهلاً اکمل لی بها خیر الدنیا و الاخرة

پروردگارا تو انسانها را دوست داری و انسانها همه تو را دوست دارند. خدایا تو محبوب همه انسانها هستی. خدایا تو محبوب من هستی و من عاشق تو و در این عشق بازی دوستی همه ی محبانت را می خواهم. خدایا دوستت دارم و به من عنایت فرما عملی که مرا به قرب تو برساند. راه عاشق برای رسیدن به معشوق هموار و سخت است مرا در این مسیر پر پیچ و خم یاری فرما تا روشنی راه به سیاهی مبدل نگردد و من بتوانم راه تکامل را که راه خیر دنیا و آخرت است بدون دغدغه بپیمایم.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ كَافِضًا مَا صَلَّيْتَ عَلٰى اٰحَدٍ مِّنْ خَلْقِكَ قَبْلَهُ
وَ اَنْتَ مُصَلِّ عَلٰى اٰحَدٍ بَعْدَهُ

درود خداوند بر محمد و خاندان او. پروردگارا بر محمد و خاندانش رحمت بفرست مانند بهترین درود و رحمتی که پیش از او بر کسی از خلق خود فرستاده ای و بعد از او هم بر خلقت فرستاده ای.

وَ اَتَنَا فِى الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِى الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنِىْ بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ

پروردگارا عطا کن ما را در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و به رحمت خود ما را از عذاب آتش ننگه دار. راه رشد بسوی کمال برای همه افراد بشر باز است فقط خودشناسی و خداشناسی می خواهد تا راه را از چاه تشخیص دهی. ای انسان حسنات آخرت را در دنیای فانی تبدیل به سیئات مکن.

والسلام على من اتبع الهدى

منابع:

- ۱- استاد علامه طباطبائی - تفسیر المیزان - استاد مکارم شیرازی - تفسیر نمونه
- ۲- محمدی ری شهری - ترجمه میزان الحکمة
- ۳- ملا مهدی نراقی - جامع السعادات
- ۴- سید هاشم رسولی محلاتی - شرح غررالحکم و دررالکلم آمدی (ره)
- ۵- آموزه های شخصی از جامع السعادات ملانراقی - هادی العشر علامه حلّی -

